

چالش هایی که به همت جشنواره فیلم کودک و نوجوان به راه افتاده است

## پای دعوت ایرج طهماسب، هوشنگ مرادی کرمانی و مریم سعادت

ترکس عاشوری

خبرنگار

رو به دوربین با همان لحن آشنای همیشگی حرف می‌زند. با همان لحنی که در قاپ تلویزیون و از پشت شیشه ویتترین مغازه، عروسک حواس‌پرت و خرابکار را به تلویزیون کشاند تا همکار آقای مجری شود. همان عروسک «قرمز کلاه» دوست داشتنی که حالا یار «آی مُرجی» شده و تصور ایرج طهماسب بدون او محال است. آقای مجری محبوب نسل دیروز و امروز، در پیام ویدئویی بچه‌ها یا دوربین را به نزدیکتر دعوت می‌کند. این دعوت، دعوت به یک تجربه تازه است. از او بچه‌ها می‌خواهد اولین نقش‌آفرینی را امتحان کنند. فیلم‌های کودک و نوجوان را به خاطر بیابوند، با کمک دوستان یا پدر و مادرها صحنه‌ای که دوست دارند را بازی کنند، فیلم بگیرند و آن را برای داوری ارسال کنند. توضیحات او دعوت به چالشی است که سی و سومین جشنواره فیلم کودک و نوجوان با عنوان #من\_نقش\_اول به راه انداخته است. برای این منظور سکانس منتخبی از فیلم‌های کودک و نوجوان روی پلنفرم‌ها و صفحات مجازی قرار گرفته و کودکان و نوجوانان می‌توانند این سکانس‌ها یا سکانس‌های منتخب خوششان از فیلم‌های کودک و نوجوان چهار دهه اخیر سینمای ایران را بازی کنند و در صفحه‌های مجازی والدین با همین هشتگ به اشتراک بگذارند. قرار است این ویدئوها در ابتدا توسط کودکان

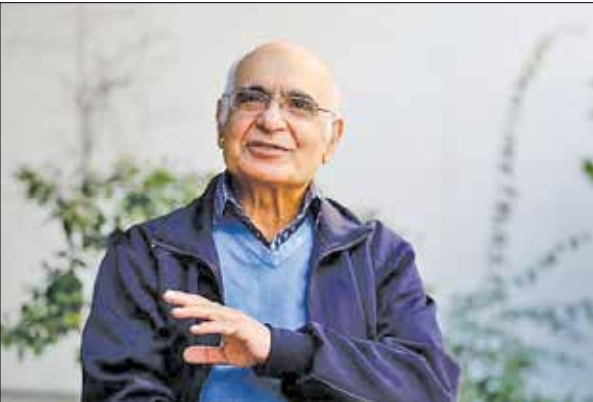


■ **خالق «قصه‌های مجید» از کودکان می‌خواهد نظر بدهند**

چهره‌اش چندان آشنا نیست. ماسک

را که برمی‌دارد بزرگترها می‌شناسندش. برای آنهایی که اهل کتاب و کلمه‌اند، نیاز به شناسایی ندارد. برای فیلم بین‌ها و دوستداران سریال‌های تلویزیونی اما به شرحی که از کارهایش ارائه می‌دهد، شناخته می‌شود: «من نویسنده‌ام، بیش از ۵۰ سال قلم زدم و نوشتم. نوشته‌هایم در کتاب درسی شما هم هست. برخی اوقات که من را معرفی می‌کنند، می‌گویند نویسنده سینمایی.» برای آدرس دقیق‌تر از «چکمه» و «قصه‌های مجید» و «تیک تاک» نام می‌برد. هوشنگ مرادی کرمانی با تواضع، کوتاه خودش را معرفی می‌کند و می‌گوید علاقمند به بازیگری و کارگردانی بوده اما حالا نویسنده‌ای شده که حدود ۳۰ اثر از کارهایش تبدیل به فیلم و سریال شده است: «من در شهری بزرگ شدم که خیلی سینما نبود بنابراین از راه خواندن

آقای مجری در پیام ویدئویی بچه‌ها یا دوربین را به نزدیکتر دعوت می‌کند. این دعوت (چالش #من\_نقش\_اول)، دعوت به یک تجربه تازه است. از او بچه‌ها می‌خواهد اولین نقش‌آفرینی‌شان را امتحان کنند



هوشنگ مرادی کرمانی از تاثیر سینما بر ادبیاتش هم می‌گوید تا برسد به چالش دوم این دوره از جشنواره فیلم و کودک نوجوان یعنی #به-نظر-من. چالشی که با هدف تقویت و توجه نسل کودک به ادبیات و اظهارنظر در باره آثار سینمایی طراحی شده است

مریم سادات گوشه

خبرنگار

قرار است دوم آبان‌ماه به مناسبت گرامیداشت استاد مرتضی ممیز پدر هنر گرافیک معاصر ایران در موزه گرافیک ایران نمایشگاهی با نام «ممیز، هنر به مثابه حرفه» به صورت آنلاین و غیرحضوری افتتاح شود؛ نمایشگاهی که به مدت دو ماه برقرار خواهد بود.

اوینش امین الهی، دبیر نمایشگاه «ممیز، هنر به مثابه حرفه» در پاسخ به اینکه چرا تصمیم به برگزاری چنین نمایشگاهی گرفته‌اند، به «ایران» توضیح داد: «هر سال ایکودی (سازمان جهانی دیزاین) یک هفته طراحی با موضوع حرفه‌ای‌گری و با شعار حرفه‌ای باش را برگزار می‌کند. این هفته در هفتم اردیبهشت ماه امسال برگزار شد. ما هم فکر کردیم امسال بر اساس

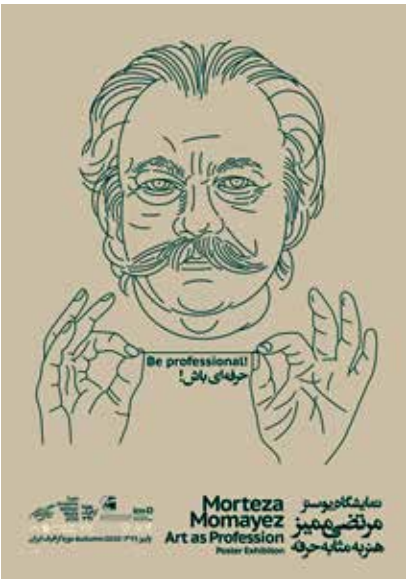


شعار این سازمان، نمایشگاهی برپا کنیم.» دبیر این نمایشگاه در ادامه سخنانش در مورد دلیل نامگذاری این نمایشگاه با عنوان «ممیز، هنر به مثابه حرفه» تصریح کرد: «شورای شهر تهران در نظر گرفت تا خیابانی را با نام استاد ممیز در تهران نامگذاری کند. ما هم فکر کردیم دو موضوع هفته طراحی با شعار حرفه‌ای باش و نامگذاری نام یک خیابان به نام استاد، را با هم تلفیق کنیم و همزمان با هفته طراحی در جهان نمایشگاهی را به عنوان «ممیز، هنر به مثابه حرفه» برگزار کنیم. اما به خاطر شرایط کرونا این نمایشگاه به تعویق افتاد.»

امین الهی در مورد تعداد آثار روی دیوار این نمایشگاه گفت: «بعد از اینکه تصمیم گرفتیم نمایشگاه بگذاریم، فراخوانی اعلام کردیم با موضوع «ممیز، هنر به مثابه حرفه» که هنرمندان تجسمی حدود ۳۷۲ اثر در این باره فرستادند و هیأت داوران که متشکل از کوروش پارسائزاد، مجید عباسی، کیانوش غریب‌پور، مهدی سعیدی و مهدی مهدیان بودند، ۲۵ اثر را انتخاب کردند. در کنار این ۲۵ اثر از ۵۴ نفر از طراحان بنام و پیشکسوت ایرانی دعوت شد تا ۵۴ اثر بدهند.»

۱۵ سال از درگذشت مرتضی ممیز می‌گذرد. او را پدر هنر گرافیک معاصر ایران می‌نامند. حال قرار است در نمایشگاه کوچکی چکیده‌ای از نمایشگاهی از آثار طراحان بین‌المللی که برای هفتادمین سالگرد تولد استاد ممیز از طرف مجله نشان برای استاد ممیز کار کرده‌اند به نمایش گذاشته شود. «ما ۱۶ تا از آن آثار را انتخاب کردیم و آن را هم در این نمایشگاه به معرض نمایش می‌گذاریم.» امین الهی در مورد انتخاب استاد ممیز در این نمایشگاه می‌گوید: «اتفاق بسیار خوبی است. چون اولین باری است که خیابانی به نام یک هنرمند تجسمی نامگذاری می‌شود و از سوی دیگر این موضوع همزمان شده با هفته دیزاین که شعارش حرفه‌ای‌گری بود و فکر کردیم چه کسی بهتر از استاد ممیز که هم هنرمند درجه یکی بودند و هم در رشته خودشان حرفه‌ای بودند و از بنیانگذاران حرفه گرافیک در ایران بودند و همچنین از مؤسسان انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران بودند. این مسأله باعث شد تا این اتفاق شکل بگیرد. اما متأسفانه شروع کرونا و همه‌گیری آن وبسته شدن گالری‌ها برگزاری این نمایشگاه را به تعویق انداخت.»

او در ادامه تصریح کرد: «ما می‌خواستیم نمایشگاه را روز تولد استاد در چهار شهریور ماه برگزار کنیم. متأسفانه خانه هنرمندان آن زمان نیمه تعطیل بود و شورای شهر تهران رونمایی از پلاک خیابان استاد ممیز را هم برگزار کرد. اما ما نتوانستیم به دلایل همه‌گیری کرونا نمایشگاه را برگزار کنیم. بنابر این فکر کردیم دوم آبان‌ماه افتتاحیه نمایشگاه را به صورت مجازی در باغ موزه گرافیک ایران برگزار کنیم. البته از چند تن از پیشکسوتان و اساتید حوزه تجسمی و برخی رؤسا در روز افتتاحیه دعوت خواهد شد. که نهایتاً پانزده تا بیست نفر خوانده بود اما به صورت لایو اینستاگرام صفحه انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، مراسم افتتاحیه را برای تمامی دوستان هنر تجسمی نمایش خواهیم داد و بزودی کتاب آن هم چاپ خواهد شد.»



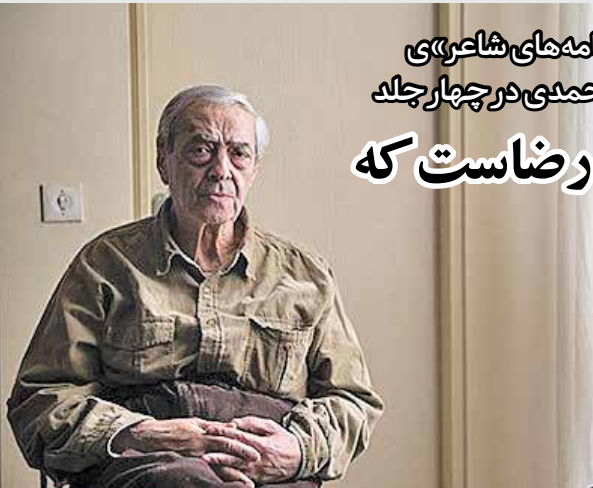
■ پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۹  
■ سال بیست و ششم  
■ شماره ۷۴۷۴

پدر، محمد بحرانی و امیرسلطان احمدی دیگر خواننده‌های این نمایش موزیکال هستند. این پیشنهاد قطعاً برای بزرگترها جذاب‌تر است. دیدن این کلیپ ویدئو در پلنفرم‌ها در صدوسایما، آن هم با ساز و موسیقی ممکن نیست، برای تماشای آن ساعت ۲۲ امشب سری به اینستاگرام سی و سومین جشنواره فیلم کودک و نوجوان (icffchallenge) و صفحه جشنواره در سایت آپارات بزنید.



نخستین کتاب‌های «شان» به رغم توجه منتقدان با استقبال چندانی از سوی مردم روبه‌رو نشده؛ به این حال دست از نوشتن نکشید تا وقتی که به لطف انتشار «حماسه دارن شان» که آن را در برخی کشورها به عنوان «سیرک عجایب» می‌شناسند با شهرت زیادی روبه رو شد. کتاب‌های این مجموعه آنقدر جنجال به پا کردند که حتی سینماگرانی همچون «روانر براس» هم وسوسه ساختن نسخه‌های سینمایی از کارهای او شدند. «دارن شان» آنقدر عاشق فیلم است که خنهای مملو از هزاران فیلم و البته کتاب‌های کمیک دارد. نکته‌ای که شاید شما را به مطالعه کتاب‌های «شان» تشویق کند این است که او تا به امروز کتابی ننوشته مگر آن که پیش‌تر کاپوس آن را در عالم رؤیا دیده باشد!

■ **مجموعه چهارجلدی «حماسه کریسلی»**  
■ **نویسنده: دارن شان**  
■ **مترجم: فرزانه کریمی**  
■ **نشر قدیانی**



است که فقط می‌شود در شبی از شب‌های پاییز به آن فکر کرد و تنها فکر کرد. جلد دوم نمایشنامه‌های شاعر هم همچنان شاعرانی را به تصویر می‌کشد میان «سایه‌ها»، «سردخانه» و «خواب» و آقای شاعر در جلد سوم کتاب در نمایشنامه‌های «انبارها»، «پيله‌ها»، «ماهتاب دریایی» و «تولد اول، تولد دوم» از دلوپسی‌اش برای جهانی می‌نویسد که او را دوست داشته و در جلد چهارم هم در «ضایقی مجلل» نماینده پروانه‌ها را می‌بینیم که در «انجمن مبارزه با آلام بشری» خودکشی می‌کند و در «نیمکت آبی‌رنگ، در انتهای دریا» گفت‌وگویی عجیب بین دو روزگار اتفاق می‌افتد و چهارجلد نمایشنامه‌های شاعر انگار چیزی دارد در خودش که شاید از همین تک کلمه بیرون بیاید: «حرمان».

به فیلم‌های جشنواره که به صورت آنلاین در پلنفرم‌های فیلمیو، نماوا و تیوا نمایش داده می‌شود را بیان کنند. این نظرات هم در ابتدا توسط کودکان و نوجوانان داوری می‌شود و در نهایت سه اثر برگزیده توسط نویسندگان و منتقدان سینمایی انتخاب و علاوه بر کسب جایزه در فصلنامه آینده فارابی چاپ می‌شوند. ■ **دعوت مریم سعادت به «کنسرت حشرات»**

اما حالا که با اینستاگرام این دوره از

### داستان‌های برخاسته از کابوس‌هایی رعب‌آور

مریم شهبازی

خبرنگار

همان‌طور که «استفن کینگ» را در حوزه کتاب‌های بزرگسال به عنوان «سلطان ادبیات وحشت» جهان می‌شناسند، در عرصه کتاب‌های نوجوان هم برخی چنین جایگاهی برای «دارن شان»، نویسنده مشهور ایرلندی قائل هستند. البته شاید نتوان این دو را به جهت اثرگذاری و جایگاه جهانی آثارشان چندان شبیه به هم دانست، باین حال «شان» هم در میان مخاطبان کم سن و سال، علاقه‌مندان خاص خود را دارد؛ هرچند که درباره برخی کتاب‌های او تقسیم‌بندی سنی آنقدرها هم اصولی به نظر نمی‌رسد. بویژه درباره مجموعه چهارجلدی «حماسه کریسلی» که ازجمله نوشته‌های پر مخاطب او به شمار می‌آید. شان این مجموعه را بعد از محبوبیت کتاب «حماسه دارن شان» نوشته که در ایران بیشتر به «قصه‌های سرزمین اشباح» مشهور است. داستان این مجموعه درباره «لارتن کریسلی» استاد دارن شان، شخصیتی همنام با خودش است و البته چند شخصیت دیگر هم از کتاب قبلی در این مجموعه



محسن بوالحسنی

خبرنگار

هر کاری کند شاعر است؛ یعنی در هر ژانر و حوزه‌ای که دست به نوشتن ببرد، نمی‌تواند ذره‌ای از شاعری‌اش کوتاه بیابد و درستش هم همین است چون این شاعران هستند که جان کلمات را به هر چیزی وارد می‌کنند؛ حتی اگر نقاشی باشد. با این همه احمدرضا احمدی در کنار شعر، نمایشنامه هم نوشته و آثاری دیگر در حوزه‌هایی برای سطوح سنی مختلف، ازجمله کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان که بیشترشان بسیار چشمگیر هستند و به نظر منتقدان آثاری قابل توجه. نمایشنامه‌های احمدرضا اما به همین دلیل که او شاعر است، «نمایشنامه‌های شاعر» عنوان گرفته و همین صداقت محض با مخاطب است که انگار می‌خواهد به طرف روبه‌رو بگوید قرار است نمایشنامه‌ای بخواند این بار اما نه به قلم یک نمایشنامه‌نویس صرف، بلکه از قلم و دید و جهان بینی شاعری که در نمایشنامه نوشتن هم می‌خواهد قلم بزند و چرا که نه، او هم سینما را خوب می‌شناسد و کار کرده در آن مدیوم، هم تئاتر را و هم حوزه‌های دیگر فرهنگ و هنر را آن‌هم بیشتر شاید به واسطه کاری که در کارتون پرورش هست کودکان و نوجوانان انجام می‌داد و یادگاری‌های هنوز فکر کتاب چهارجلدی نمایشنامه‌های احمدرضا را نشر چلچله منتشر کرده و هر جلد از این کتاب‌ها و هر کدام از این نمایشنامه‌ها را باید پیوندی میان شعر و نمایشنامه حساب کرد و جهانی شاعرانه که او در این متن‌ها ارائه کرده است. جهانی که از دنیای مرموز و جادویی ذهن احمدی می‌آید و می‌خواهد روایتگر انسانی باشد در جهان امروز. انسانی که زیستی شاعرانه دارد و حتی در نمایشنامه «فردگاه- پرواز ۷۰۷» شاعر هم هست. شاعری که یک شب، شبیه تمام شب‌های دیگر در اتاقش مشغول خوردن شامش است که

کتابستان

خبرنگار

### «جان عشاق»ی که به «زمان» رسید

نداسیجانی

خبرنگار

«درویشی مرد پیدا کردن گمشده‌های موسیقی است. اوسال هاست که در کوه و کمر می‌گردد و هنرمندان بومی متعلق به مناطق مختلف را پیدا می‌کند و موسیقی آنها را به عنوان میراث فرهنگ و هنر جمع‌آوری می‌کند.» برای معرفی و سخن گفتن از محمدرضا درویشی همین یک جمله از زنده‌یاد محمدرضا شجریان کافیست می‌کند و البته او نیز از آن به استاد شجریان را اینگونه توصیف می‌کند: «صدای محمدرضا شجریان شبیه هیچ خواننده‌ای در صدسال گذشته نیست... او با قلب مردم ایران آمده و در تاریخ و فرهنگ ایران است و در قلب همه مردم ایران خواهد ماند...»

محمدرضا درویشی آهنگ‌ساز، پژوهشگر موسیقی و مؤلف دایره‌المعارف سازهای ایران است و نام او با فرهنگ و هنر ایران گره خورده؛ مردی که سال‌ها در کاوش و جست‌وجوی میراث کهن ایران زمین بود تا آن را به گوش تاریخ برساند و امروز هنرش در کنار آثار دیگر بزرگان موسیقی ایران به چشم می‌خورد. اگرچه بیشتر فعالیت‌ها و دبلیستگي‌های درویشی در موسیقی اقوام ایران بوده و تألیفات و پژوهش‌های گسترده هم در این زمینه داشته اما تلاش و تفکر او در موسیقی تنها به این بخش خلاصه نمی‌شود بلکه پیش از آن و حتی از ابتدای حضورش به دنیای هنر، علاقه‌مندیش به موسیقی ایرانی و آهنگسازی در این زمینه بود. درویشی آهنگسازی را از استادش مرتضی حنانه متق کرده است و تحت تأثیر او به این حرفه گرایش پیدا کرد و توانست آثار درخشانی هم به منصه



ظهور برساند. آلبوم‌هایی همچون: «گنبد مینا و جان عشاق» یا «صدای محمدرضا شجریان که کاری مشترک با پرویز مشکاتیان بود». «جان عشاق و گنبد مینا» مانند دیگر آلبوم‌های محمدرضا شجریان، آراسته به اشعار زیبای حافظ و ابیات‌ها است؛ عاشقانه‌هایی که پرویز مشکاتیان و محمدرضا درویشی با نوای دل انگیز پیانو جواد معرفتی روی ملودی به تصویر کشیده‌اند. این آلبوم که در ماهی دشتی و بیات است ۱۰ قطعه دارد که سه قطعه آن بی‌کلام بوده و از سوی شرکت دل آواز منتشر شده است. از دیگر آثار درویشی می‌توان به آلبوم «زمستان» اشاره کرد با صدای شهرام ناظری، همچنین «موسم گل»، با صدای ایرج بسطامی و «شوق نامه» با صدای همایون شجریان که شامل بازخوانی ۲۲ تصنیف منسوب به عبدالقادر مراغه‌ای بود و البته آلبوم «زمان» که سال ۹۷ منتشر شد اثری با چهار قطعه که به گفته خالق آن این قطعه‌ها هر کدام متعلق به دهه‌ای از زندگی او در بازه زمانی ۲۰ تا ۶۰ سالگی هستند. محمدرضا درویشی همچنین کارهایی در موسیقی نواحی ایران به یادگار تولید کرده است که هر یک تاریخچه‌ای موزیکال از اقوام ایران است، آثاری همچون «موسیقی مازندرانی»، با صدای ابوالحسن خوشرو نورالله علیزاده، «هفت اورنگ»، «آیینه و آواز»، «موسیقی حماسی ایران»، «موسیقی شمال خراسان» و... از دیگر فعالیت‌های ارزنده او ساخت موسیقی فیلم است مانند «وقتی همه خوابیم» به کارگردانی بهرام بیضایی، «آتش سبز» به کارگردانی محمدرضا اصلائی، «باد و مه» محمدعلی طالبی و...

درویشی چند روزی است که پا در سن ۶۵ سالگی گذاشته است. او متولد ۲۵ مهر به سال ۱۳۳۴ در شهر شیراز است و از همان دوران نوجوانی (۱۱ سالگی) تا به امروز همچنان پر تلاش و باشوق بسیار به تألیف موسیقی می‌پردازد.

